



## عوامل مؤثر بر روابط امارت اسلامی افغانستان و پاکستان

شاهدالله ظاهری<sup>۱</sup>

### چکیده

با شکل‌گیری حکومت جدید پاکستان و تقسیم شدن شبه‌قاره هند به دو کشور پاکستان و هندوستان، تعامل افغانستان با کشور جدید التأسیس همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. این مقاله تلاش می‌ورزد تا ابعاد اصلی عوامل مؤثر بر روابط پاکستان با امارت اسلامی افغانستان را در دو سال گذشته روشن سازد. سؤال اصلی تحقیق نیز این است که چه عواملی در روابط دو کشور افغانستان و پاکستان در دوره امارت اسلامی مؤثر بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، تلاش می‌شود با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی - توصیفی به ریشه‌های ذهنی مؤثر بر روابط دو مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های تحقیق در قالب نظریه امنیت هستی‌شناختی<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که نوع نگاه هویتی و حس درونی احساس ناامنی که اردوی این کشور در آن نقش مهم دارد، تعامل دو کشور در حوزه مختلف تعاملات سیاسی - اقتصادی - تجاری و مهاجرت را متأثر ساخته است.

**واژگان کلیدی:** امارت اسلامی، امنیت هستی‌شناختی، اردو، پالیسی امنیت‌گرایانه، پاکستان

---

<sup>۱</sup>. مسؤل بخش مطبوعات سفارت امارت اسلامی افغانستان مقیم اسلام آباد

<sup>۲</sup>. Ontological Security

## مقدمه

پس از شکل‌گیری کشور جدید به نام پاکستان در سال ۱۹۴۷، افغانستان تنها کشور مخالف با پیوستن آن به سازمان ملل متحد بود. ظاهرشاه بر الحاق برخی از مناطق افغانستان به پاکستان که تا سال ۱۹۴۷ در اختیار هند بریتانوی بود، اعتراض داشت. هرچند افغانستان رأی مخالف خود را پس گرفت، اما تعامل رسمی دو کشور تا امروز با چالش‌هایی همراه بوده و دغدغه‌های سیاسیون و حکومت‌های مختلف افغانستان هنوز باقی است. این چالش‌های لاینحل در روابط دو کشور، پاکستان را نیز متأثر ساخته و نوعی حس ناامنی هستی‌شناختی/وجودی میان دو کشور را به همراه داشته است. حلقات نظامی، سیاسی و مطبوعاتی پاکستان اتخاذ سیاست‌های امنیت‌محور در قبال افغانستان را مورد توجه قرار داده‌اند.

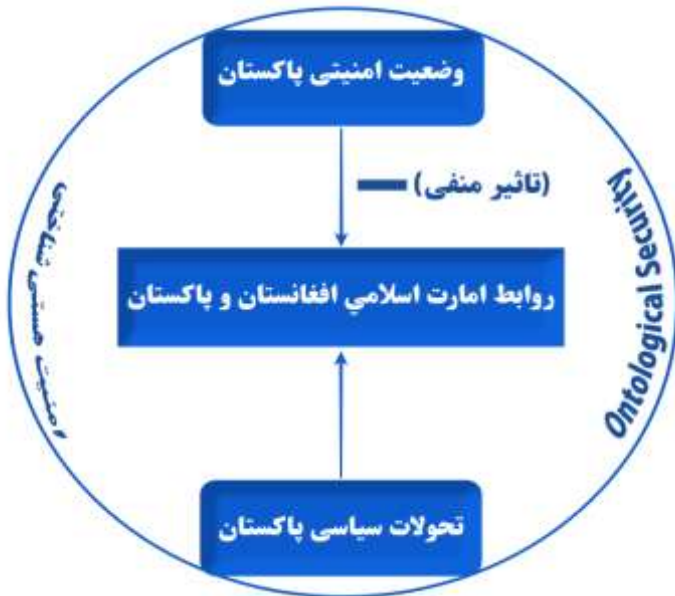
این نگاه امنیت‌محور، تعامل پاکستان با قدرت‌های بزرگ را نیز متأثر ساخته است. بعد از حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، پاکستان با همکاری ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی‌شان، اقدامات نظامی را در قبال حکومت وقت افغانستان در پیش گرفتند. در بیست سال گذشته نیز بارها، اقدامات نظامی در تقابل میان اسلام‌آباد و پاکستان مطرح شده است. بعد از شکل‌گیری امارت اسلامی در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ در افغانستان، هرچند در آغاز موضع اسلام‌آباد در قبال سیاست خارجی امارت اسلامی، همراه با حسن‌نیت بود، با گذشت زمان، چالش‌های امنیتی پاکستان بار دیگر روابط دو کشور را بحرانی ساخته و درگیری‌های کوچک در مرز دو کشور پدیدار شد.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه عواملی در روابط امارت اسلامی افغانستان و پاکستان مؤثر می‌باشد؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که نوع نگاه امنیتی مقامات اسلام‌آباد و نگاه امنیتی هستی‌شناختی حاکم در تعامل دو کشور، نقش مهم در روابط رسمی دو کشور دارد. اهمیت این تحقیق در یافتن عوامل چالش‌زا در تعامل دو کشور مخصوصاً از بُعد امنیتی بوده که با شناسایی این شاخص‌ها، می‌توان چالش‌ها را به فرصت تبدیل نموده و زمینه‌های تعاملات همکاری‌جویانه را در بلندمدت فراهم نمود.

برای بررسی مسأله تحقیق، تلاش می‌شود که با استفاده از «نظریه امنیت هستی‌شناختی» و به روش تحلیلی - توصیفی مباحث مورد بررسی قرار گیرد. مباحث مورد بررسی به گونه‌ای

سازماندهی شده که شامل چارچوب نظری، تاریخچه شکل‌گیری پاکستان، نقش اردوی پاکستان در سیاست، چالش‌های تجاری، مسأله مهاجرین می‌شود. در نهایت با یک جمع‌بندی و ذکر منابع، تحقیق پایان خواهد یافت.

به عبارت دیگر، ساختار این مقاله سه متغیر اصلی [روابط پاکستان و امارت اسلامی افغانستان] ۱. وضعیت سیاسی؛ ۲. وضعیت امنیتی پاکستان؛ ۳. یک تیوری [امنیت هستی‌شناختی] دارد. نوشته تلاش می‌کند تا تأثیر متغیرها را مورد بررسی قرار دهد که نمودار آن به صورت زیر است:



### ۱. چارچوب نظری: نظریه امنیت هستی‌شناختی

بررسی روابط دو کشور افغانستان و پاکستان، در چارچوب نگاه سنتی به مفهوم امنیت جوابگو نیست چرا که در طول تاریخ تعامل دو کشور مبتنی بر مفهوم سنتی امنیت شکل گرفته و بی‌نتیجه مانده است. به همین خاطر برای بررسی تعامل دو کشور، نظریه «امنیتی هستی‌شناختی» به عنوان چارچوب نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. این امر کمک می‌کند که بتوان عوامل مؤثر بر نوع و ماهیت تعامل دو کشور را به طور ریشه‌ای مورد بررسی قرار داد.

نظریه امنیتی هستی‌شناختی معتقد است که رفتار و کنش بسیاری از کشورها فقط براساس انگیزه‌های مادی صورت نمی‌گیرد و اهداف غیرمادی و معنوی از جمله حس افتخار، غرور، اضطراب و غیره نیز مهم هستند. گیدنز با طرح امنیت هستی‌شناختی در سطح فردی معتقد است که امنیت هستی‌شناختی به معنای رهایی از تهدیدات علیه ارزش‌های اصلی است که یک شخص شناسایی می‌کند. این مفهوم برای اولین بار توسط R.D. Laing برای تأکید بر نیاز هر فرد به امنیت هویت خود مطرح گردید و بعداً از طریق اثر معروف آنتونی گیدنز وارد علوم اجتماعی شد.<sup>۱</sup>

در سطح بین الملل نیز دولت‌ها نسبت به امنیت هستی‌شناختی خود حساس هستند. سازه‌نگاران در این ارتباط معتقدند که به همان اندازه که امنیت فیزیکی، منافع و قدرت مادی برای دولت‌ها اهمیت دارد، به دنبال امنیت وجود خود یعنی امنیت هستی‌شناختی نیز هستند که برای آن‌ها از امنیت فیزیکی نیز مهم‌تر می‌باشد. زیرا هویت دولت‌ها به آن وابسته است و دولت‌ها از امنیت هستی‌شناختی، هویت خود را تحکیم می‌بخشند. در واقع می‌توان گفت امنیت هستی‌شناختی از منظر دولت‌ها، همچون آینه‌ای می‌باشد که دولت‌ها مایل هستند تصویر مورد نظر خود را در آن ببینند و نیز مایل هستند سایرین نیز همین تصویر را مشاهده کنند.<sup>۲</sup>

میتزن معتقد است که امنیت هستی‌شناختی از امنیت فیزیکی برای دولت‌ها مهم‌تر است چرا که «هویت دولت‌ها به تأمین آن بستگی دارد و آن در واقع ظهور تصویری است که دولت‌ها از خود دارند و می‌خواهند دیگران هم آن تصویر را داشته باشند».<sup>۳</sup> اهمیت امنیت روان‌شناختی برای دولت‌ها به حدی مهم است که ممکن است اقداماتی را برای تحقق آن انجام دهند که حتی ممکن است امنیت فیزیکی آن‌ها را نیز با چالش مواجه کند؛ اما این اقدامات در حقیقت پاسخ به امنیت هستی‌شناختی آن‌ها است. مثال عینی این نوع نگاه، منازعه فلسطین و اسرائیل است که

<sup>۱</sup>. Taj, Farhat, Clash of Identities: Ontological (In)Securities of Afghanistan and Pakistan, and the Repercussions, (2022, <https://doi.org/10.13169/polipers.19.2.ra1>)

<sup>۲</sup> Chernobrov, "Ontological Security and Public (Mis) Recognition of International Crises: Uncertainty, Political Imagining, and the Self."

<sup>۳</sup>. رسول‌ثانی آبادی، الهام، حفظ امنیت هستی‌شناسانه و سازش، (فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۶۱، ۱۳۸۹)، ص

بیش از ۵۰ سال دو کشور را رودرو قرار داده و در تداوم آن حس عدم امنیت هستی‌شناختی آشکار است.

به عبارت دیگر، ارزش‌های وجودی یک دولت است که اقدامات اجتماعی آن را بازسازی می‌کند. دولت‌ها از طریق این اقدامات، نیازهای هویتی خود را رفع نموده و در صورتی که مانعی بر سر راه کنش‌های اجتماعی دولت‌ها به وجود آید، مبتنی بر این است که هویت‌اش زیر سؤال رفته و این چالش هویتی به اندازه چالش‌هایی که تمامیت امنیت فیزیکی دولت‌ها را تهدید می‌کند برای‌شان اهمیت دارد.<sup>۱</sup>

بر اساس این نظریه، رفتار یک دولت در قبال تحركات محلی و جهانی می‌تواند ناشی از اضطراب آن در مورد هویت‌اش باشد و دولت‌ها نیز مانند انسان‌ها، بازیگران منطقی و اجتماعی هستند که به دنبال تأیید مداوم هویت خود از سوی بازیگران دیگر اند.<sup>۲</sup>

در مورد کاربرد این نظریه در مورد تعامل میان افغانستان و پاکستان می‌توان گفت، این که چه‌گونه افغانستان یک چالش هستی‌شناختی برای انگلیسی‌ها در چارچوب روابط انگلیس و افغانستان در قرن نوزدهم ایجاد کرد، زمانی که بریتانیا در ایجاد روال سیاست خارجی با افغانستان شکست خورد، بحث کرده است. ادراک بریتانیایی‌ها از تهدید هویت ریشه در تلقی آن‌ها از افغانستان به عنوان یک «جغرافیای خشونت‌آمیز» داشت؛ ایده‌ای که روس‌ها براساس تجربیات دشوار خود در آسیای میانه به اشتراک گذاشتند. پس از تجزیه هند بریتانیا در سال ۱۹۴۷، پاکستان جایگزین هند بریتانیایی شد.

مدیریت افغانستان بر این چالش باعث ایجاد (نامنی) هستی‌شناختی در پاکستان می‌شود؛ درحالی‌که مدیریت هردو کشور پیامدهای ویرانگری را برای مناطق مرزی افغانستان و پاکستان ایجاد می‌کند.

<sup>۱</sup> . Mitzen, Jenifer, *Ontological security in world politics and implications for the Option*, (Volum 8. No. 1 2004), p 35.

<sup>۲</sup> Giddens, Anthony, *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age* (Stanford: Stanford University Press, 1991).

حزب مسلم لیگ سراسر هند (AIML)، حزبی که مبارزه سیاسی برای ایجاد پاکستان را رهبری کرد، استدلال می‌نمود که هویت فرهنگی مسلمانان و منافع اقتصادی در هند تحت سلطه هندوها آسیب خواهد دید. پاکستان به نام اسلام به وجود آمد. بنابراین هویت آن اسلامی است. هویت خود یک دولت دارای ابعاد درونی و بیرونی است. در داخل، جمهوری اسلامی پاکستان دارای جمعیتی چند قومی است که اسلام را به عنوان دین مشترک خود می‌دانند. ایده اسلام به عنوان هویت دولتی حاکی از آن است که اسلام به عنوان یک هویت ملی فراگیر این ظرفیت را دارد که تفاوت‌های قومی در جامعه را به یک هویت مشترک پاکستانی تبدیل کند و در نتیجه پتانسیل تمایلات جدایی طلبانه را بر مبنای قومی مهار نماید.

## ۲. اردو و سیاست در پاکستان و تأثیر آن بر روابط افغانستان - پاکستان

در این خصوص که میدان سیاست پاکستان نقش اردوی پاکستان پررنگ است، تحقیقات متعددی در داخل و خارج این کشور انجام شده است.

به تاریخ ۸ می ۱۹۸۸ صدیق سالک، رئیس سرویس رسانه ای اردو پاکستان (ISPR)، به دفتر صدراعظم وقت، محمدخان جونیجو وارد شد و به او اطلاع داد که جنرال ضیاءالحق، فردای آن روز نشست خبری برگزار می‌کند و می‌خواهد یک خبر مهم را با مردم در میان بگذارد. روز بعد جنرال ضیاءالحق در تلویزیون ملی پاکستان ظاهر شد و براساس ماده ۸ قانون اساسی که به رئیس جمهور اختیار انحلال پارلمان را می‌دهد، دولت آقای جونیجو را سرنگون کرد. این تصمیم همه را در پاکستان متعجب کرد زیرا روابط بین صدراعظم و ضیاءالحق بسیار خوب بود و تحلیل‌گران آن زمان از آقای جونیجو به عنوان یک صدراعظم تابع یاد می‌کردند. براساس اسناد که بعد افشا شد، پس از آن که جونیجو به وزیر امور خارجه دولت خود دستور امضای توافقنامه ژنو در زمینه امور افغانستان را داد، روابط او با اردو و جنرال ضیاءالحق تیره شد.

این رابطه زمانی به پایین‌ترین سطح رسید که صدراعظم درخواست تحقیق پارلمانی در مورد فاجعه اردوگاه اوچاره (زمانی که انباری از سلاح‌ها در داخل کمپ آتش گرفت و بر شهرهای مجاور باریدند) را داد. در نتیجه، آقای جونیجو کرسی خود را در اثر مخالفت با اردو از دست داد. ظفرالله خان جمالی، صدراعظم دیگر پاکستان نیز در سال ۲۰۰۴ به دلیل اختلافات با پرویز مشرف، رئیس ستاد اردو وقت، استعفا داد. اکثر صدراعظم‌های پاکستان قبل یا بعد از آقای

جونجو با چنین سرنوشتی روبرو شده‌اند و بعداً صدای خود را علیه نظامیان بلند کردند. باتوجه به صلاحیت‌ها و هم‌چنین تکمیل دوره پنج‌ساله مدیریت برای اجرای بهتر سیاست‌ها، در تاریخ پاکستان، هیچ صدراعظمی به‌علت مداخله اردو دوره قانونی ۵ ساله خود را به پایان نرسانده است.<sup>۱</sup>

این امر تا هنوز ادامه دارد. به‌باور برخی از کارشناسان، حکومت به‌رهبری عمران‌خان، اردوی پاکستان را به‌عنوان یک بازیگر اصلی سیاسی می‌دانست. سپس دولت شهباز شریف اردو را به سطح یک شریک در حکومت رساند.<sup>۲</sup>

علاوه بر امور سیاسی، اردو پاکستان با راه‌اندازی شرکت‌های خصوصی از جمله رهنمای معاملات، خرید و فروش زمین، ایجاد کارخانه‌های سمنت و مواد ساختمانی، پمپ‌های تیل و غیره امور اقتصادی این کشور را نیز کاملاً در دست دارد. عایشه صدیقه نویسنده مشهور پاکستانی در کتاب خود با عنوان *Military Inc: Inside's Military Economy* که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، می‌گوید که «بنیاد رفاه»<sup>۳</sup> اردوی پاکستان تجارتی به ارزش ده‌ها میلیارد دالر است که شامل پارک‌های صنعتی و تیل‌های پمپ می‌گردد. اردوی پاکستان نه‌تنها یک قدرت سیاسی و نظامی - اطلاعاتی است، بلکه بیش از هر چیز یک قدرت اقتصادی می‌باشد. از آن‌جا که فعالیت‌های سیاسی و نظامی بدون منابع مالی امکان‌پذیر نیست، به‌همین دلیل است که مؤسسات نظامی در پاکستان نیز امور تجاری و مالی شخصی خود را دارند. به‌گفته خانم عایشه صدیقه، تجارت سالانه اردو پاکستان در سال ۲۰۰۸ به ۲۰ میلیارد دالر می‌رسید.

او تأکید می‌کند که دولت غیرنظامی هرگز نمی‌تواند برای تجارت خصوصی اردو پاکستان مشکلی ایجاد کند و اگر چنین مشکلی پیش بیاید، حتی صدراعظم منتخب مردم و دولت او بلافاصله سرنگون خواهد شد. خانم صدیقه در مصاحبه‌ای با الجزیره در سال ۲۰۰۸ گفت که

<sup>1</sup> Siddiq, Aysha, *Military inc. Inside Pakistan's Military Economy*, 2<sup>nd</sup> edition, 2016, Pluto press.

<sup>2</sup> Sheikh, S. R. (2023, November 30). *Pakistan's election will not be about change this time*. Nikkei Asia.

<sup>3</sup>. Welfare Foundation

شهرها و خیابان‌های پاکستان مملو از قدرت اقتصادی اردو است. بانک‌ها، املاک و مستغلات، شرکت‌های بیمه و دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات اقتصادی که توسط سربازان بازنشسته اداره می‌شوند، منابع مالی مهم اردو پاکستان محسوب می‌شوند. به تاریخ ۲۰ جون ۲۰۱۶، گزارشی در مورد مؤسسات تجاری شاخه‌های مختلف تشکیلات نظامی در این کشور به مجلس سنای پاکستان ارائه شد.<sup>۱</sup>

خواجه آصف، وزیر دفاع وقت پاکستان، در پاسخ به سؤال فرحت‌الله بابر، یکی از اعضای حزب مردم پاکستان، گفت که زیر چتر بنیاد نظامی بیش از ۵۰ پروژه، واحد، پارک صنعتی و مسکن در پاکستان وجود دارد. مستعمرات مانند بنیاد شاهین، بنیاد بحریه، اعتماد رفاه اردو<sup>۲</sup> و آژانس ساخت و ساز دفاعی<sup>۳</sup> فعال هستند. با توجه به جزئیات داده شده، هشت (DHA) در شهرهای بزرگ کراچی، لاهور، راولپندی-اسلام‌آباد، مولتان، گجرانوالا، بهاولپور، پشاور و کوئته ایجاد شده‌اند.

به تاریخ ۲۱ مارچ ۲۰۱۹، فارین پالیسی مقاله‌ای را تحت عنوان «ملت فقیر و اردوی ثروتمند» منتشر کرد که براساس آن اردوی پاکستان با زنده نگه داشتن تهدید هند سعی در محافظت از خود دارد. به گفته نویسنده مقاله طه صدیقی، تنها بودجه نظامی نیست که منابع مالی پاکستان را تهیه می‌کند، بلکه اخیراً امپراطوری نهادهای امنیتی پاکستان نیز روز به روز درگیر مسائل امنیتی و نفوذ اقتصادی و سیاسی است. براساس یک گزارش دیگر از بلومبرگ، دارایی بینادهای نظامی زیر چتر اردو پاکستان، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، ۷۸ درصد رشد داشته است و درآمد سالانه آن بیش از ۱.۵ میلیارد دالر می‌رسید.

رویتز نیز اخیراً گزارش داد که اردو پاکستان به صنعت پروسود دیگری معدن و اکتشاف نفت رو آورده است. براساس گزارش‌ها، حکومت قبلی عمران‌خان همواره از اردو در فعالیت‌های

<sup>1</sup> Siddiq, Aysha, Military inc. Inside Pakistan's Military Economy, 2<sup>nd</sup> edition, 2016, Pluto press.

<sup>2</sup>. AWT

<sup>3</sup>. Army Welfare Foundation

اقتصادی مربوط به معادن حمایت می‌کرد که طی آن اکثر پروژه‌های استخراج معادن و اکتشاف نفت به سازمان‌های زیر چتر اردوی پاکستان واگذار شدند.<sup>۱</sup>

باتوجه به مباحث بالا، از زمان تأسیس پاکستان، اردوی این کشور به‌طور مستقیم (کودتاها) و غیرمستقیم (مهندسی سیاسی) زمام امور را در دست داشته است. مفاهیم استراتژیک [تهدید هند] و [ادعای افغانستان بر برخی مناطق پاکستان] سیطره اردوی پاکستان را بیشتر تقویت می‌کند. در واقع، حاکمیت اردوی پاکستان و این دو مفهوم از همدیگر تغذیه می‌شوند. هر قدر اردو در مورد این دو مفهوم تبلیغ کند همان قدر افکار عمومی پاکستان مجبور به پذیرش سلطه آن خواهد بود. برعکس، تا زمانی که اردو بر اریکه قدرت پاکستان تکیه بزند، این دو مفهوم همچنان زنده خواهند ماند تا تداوم قدرت این نهاد را تضمین کند.

به همین منوال، سلطه اردو بر پاکستان، برخورد این کشور با امور داخلی و خارجی را نیز رنگ نظامی-امنیتی بخشیده است. به عبارت دیگر، اگر در یک کشور تجار زمام امور را به‌عهده



داشته باشد، همه‌چیز را از دوربین تجارت می‌بیند. اگر سیاست‌مداران در رأس باشند، امور داخلی و خارجی را بر مبنای اصول سیاسی حزب و یا مکتب خویش طرح‌ریزی می‌کنند. در همین حال، اگر نظامیان رهبری مطلق را در دست داشته باشند، به همه امورات، به‌شمول روابط خارجی از دریچه نظامی نگاه می‌کنند.

<sup>1</sup> Siddiqui, T. (2019, March 21). Poor nation, rich army. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2019/03/21/poor-nation-rich-army/>

در عین حال، به باور بسیاری از کارشناسان، نظام‌های اردو محور برای بقای خود باید تهدیدهای موجود را کلاتر جلوه دهند و یا هم خود به خلق تهدید بپردازند. اگر تهدیدی نباشد هیچ‌کس حاضر به پذیرش اردو به عنوان حاکم مطلق العنان نخواهد بود، پارلمان به هیچ وجه اجازه تخصیص بودجه اضافه‌تر برای امور دفاعی را نخواهد داد و در نتیجه امپراطوری نظامی-سیاسی-اقتصادی یک اردو از هم می‌پاشد. این تهدید به پاکستانی‌ها حس ناامنی هستی‌شناختی می‌دهد. بسیاری از آن‌ها باور دارند که در عدم وجود اردو، تمامیت ارضی [امنیت وجود/هستی‌شناختی] پاکستان در معرض خطر واقع می‌شود. تأثیرات عمیق تحولات سیاسی (از آنجایی که از سوی خود اردو مدیریت می‌شوند) و حوادث امنیتی پاکستان بر روابط آن با افغانستان نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد.

جهت تفهیم درست مسئله، چهارچوب نظری فوق را دوباره مرور می‌کنیم: مفاهیم [تهدید هند] و [ادعای افغانستان] نقش اردو پاکستان و اردو برای بقای خود این دو مفهوم را زنده نگه می‌دارند. این امر موجب نگاه امنیت‌گرایانه به تمام امور داخلی و خارجی، از جمله روابط با افغانستان می‌شود. نگاه امنیت‌گرایانه و مفاهیم مذکور به نوبه خود باعث سیاست‌های مشخص در قبال مناطق قبایلی و خط دیورند، ترس از تهدید هند و پالیسی عمق ستراتیژیک، دفع تهدیدات و چالش‌های داخلی به بیرون، جلب توجه و کمک‌های مالی-نظامی کشورهای قدرتمند از سوی اردو پاکستان می‌گردد.

در خارج، پاکستان با نگاه کردن به افغانستان از منشور روابط خود با هند، افغانستان را در روال احتیاط خود در برابر هند ادغام می‌کند. به‌طورمثال، در سال ۱۹۴۹، ظفرالله‌خان، اولین وزیر خارجه پاکستان، به «ارتباط» میان هند و افغانستان در نگرش غیردوستانه هند و افغانستان نسبت به پاکستان اشاره کرد. با ادغام افغانستان در روال خصومت‌محور خود با هند، پاکستان می‌خواهد به ناامنی هستی‌شناختی و خطرات بالقوه جدایی‌طلبانه ناشی از افغانستان رسیدگی کند.<sup>۱</sup> ادعاهای پاکستان مبنی بر حمایت شدن گروه‌های ملی‌گرای پشتون (بی‌تی‌ام) یا هم

<sup>1</sup> Pande, Aparna, *Explaining Pakistan's Foreign Policy, Escaping India* (Oxon: Routledge, 2011);

مذهبی هم چون تحریک طالبان پاکستان از سوی افغانستان با اشاره هند از همین جا منشا می‌گیرد.

در سطح داخلی، پاکستان از هرگونه بحث درخصوص اظهارات افغانستان در مورد مناطق پشتون‌نشین پاکستان، از جمله وضعیت حقوقی دیورند جلوگیری می‌کند. در طی سمیناری در مؤسسه مطالعات سیاست، اسلام‌آباد، یک دیپلمات و یک نظامی سابق پاکستان پیشنهاد کردند که از بحث در مورد این موضوع اجتناب شود. مقامات پاکستانی در صورت لزوم بیانیه‌های کوتاهی در مورد مسئله دیورند صادر می‌کنند. فرض بر این است که سکوت به نفع پاکستان است. ظاهراً این کشور ساکت است زیرا بحث‌های عمومی بحث‌های ملی و بین‌المللی را در مورد موضوعی که پاکستان به‌عنوان یک فصل بسته در نظر می‌گیرد، باز می‌کند؛ وضعیت حقوقی خط دیورند، که پاکستان آن را مرز بین‌المللی بین دو کشور می‌داند.<sup>۱</sup>

تضاد هویتی و مدیریت‌های هستی‌شناختی غیرامنیتی هر دو کشور عواقب جدی برای مناطق پشتون‌نشین پاکستان ایجاد می‌کند. پاکستان اقدامات اداری استعماری بریتانیا را تحت مقررات جرایم مرزی (FCR) در نواحی قبیله‌ای در امتداد با افغانستان برای حدود ۷۰ سال ادامه داد، که جمعیت این منطقه را در انزوای قانونی از بقیه کشور و در محرومیت‌های اجتماعی-اقتصادی نگه داشت.

ولسوالی‌های قبیله‌ای پاکستان در امتداد خط فرضی دیورند متحمل خشونت‌های گسترده، نقض گسترده حقوق، و خسارات مادی هنگفتی شدند که برخی از فعالان حقوق از آن به‌عنوان ۴ پدیده طولانی مدت یعنی مرگ، ویرانی، ناپدید شدن و جابجایی یاد می‌کنند. این چهار پدیده در مناطق قبایلی پاکستان نیز ریشه در حس ناامنی هستی‌شناختی پاکستان و بر مبنای آن سیاست‌های مشخص در قبال این مناطق دارد.

### ۳. مسأله مهاجرین و روابط افغانستان و پاکستان

پاکستان در اکتوبر سال جاری میلادی اعلام کرد که آن‌عده از مهاجرین افغان که سند قانونی

<sup>1</sup> Taj, Farhat, Clash of Identities: Ontological (In)Securities of Afghanistan and Pakistan, and the Repercussions, (2022, <https://doi.org/10.13169/polipers.19.2.ra1>)

ندارند باید تا پایان ما اکتوبر از این کشور خارج شوند. طبق آخرین آمار، تاکنون، کم و بیش ۴۵۰۰۰۰ افغان از پاکستان به کشور بازگشته اند. صدراعظم مؤقت این کشور انوارالحق کاکر و لوی درستیز اردوی پاکستان بارها تأیید کردند که افزایش حوادث امنیتی آنها را وادار به اخراج اجباری مهاجرین افغان کرد. کاکر اذعان داشت که افغانها در حملات انتحاری و تهاجم بر نیروهای پاکستانی دخیل اند و نوبت آن رسیده است تا پاکستان خانه تکانی کند.

به‌باور بسیاری از کارشناسان، دیدگاه امنیتی پاکستان به افغانستان تنها به امور سیاسی و اقتصادی خلاصه نمی‌شود. بلکه این کشور به مهاجرین افغان نیز از چندین دهه به این سو نگاه امنیت‌گرایانه دارد و براساس متغیرهای امنیتی خویش با آنها برخورد می‌کند. پذیرایی از مهاجرین افغان در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ وقتی میلیون‌ها دالر کمک مالی از بابت جهاد افغانستان وارد پاکستان می‌شد، برخورد چندجانبه پاکستان با مهاجرین افغان در زمان پس از حمله امریکا بر افغانستان و غیره دوره‌ها مصداق خوب آن‌اند.<sup>۱</sup>

نظریه‌پردازان نظریه امنیت‌گرایانه<sup>۲</sup>، مشکلات امنیتی را بالاتر از سیاست و مهاجرت را «تهدیدی برای امنیت ملی» قلمداد می‌کنند. این نظریه منجر به عواقب زیر می‌گردد:

- ایجاد تعادل بین امنیت و حقوق بشر دشوار به نظر می‌رسد.
- اقدامات دولت منجر به حبس، محدودیت، تبعید، برخورد نژادی با مهاجرین می‌شود.
- پناهندگان مورد تسخیر، تمسخر قرار می‌گیرند و زندگی برای آن‌ها به کابوس تبدیل می‌شود.
- آن‌ها مسئول تروریسم و جنایت در جامعه میزبان دانسته می‌شوند.
- همه پناهندگان تحت اصطلاحات واحد منفی هم‌چون تروریست، مهاجر است (مهاجر دی)، نمک حرام و غیره قرار می‌گیرند به طوری که حتی خردسالان نیز در امان نمی‌مانند.<sup>۳</sup>

<sup>1</sup> Tribune. (2023, July 26). Securitisation of Afghan refugees. *The Express Tribune*. <https://tribune.com.pk/story/2427821/securitisation-of-afghan-refugees>

<sup>2</sup> Securitization

<sup>3</sup> Jaskułowski, K. (2018). The securitisation of migration: Its limits and consequences. *International Political Science Review*, 40(5), 710–720. <https://doi.org/10.1177/0192512118799755>

خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان اخیراً ادعا نمود که اجازه دادن به پناهجویان افغان یک اشتباه بزرگ بود. وی هم چنین دولت تحریک انصاف را در این زمینه مقصر دانست و گفت: «بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر [از افغانستان] به این جا آورده شدند در حالی که ۵۰۰۰۰۰ مهاجر افغان قبلاً در این جا حضور داشتند. اکنون ما باید برای مسئله پناهجویان افغان راه حلی پیدا کنیم ... هم چنین درگیر حوادثی [امنیتی-تروریستی] شده‌اند که غیرقابل قبول است.<sup>۱</sup>

براساس آمار اداره مرکزی پولیس پاکستان، موارد جنایت علیه اشخاص در سال ۲۰۱۸ در مجموع ۱۲۳۵۹ مورد است که شامل قتل، اقدام به قتل، ارباب جنایی، تجاوز جنسی، لواط، آدم‌ربایی، کودک‌ربایی و تعرض به پولیس و سایر کارمندان دولت و غیره می شود. جرایم علیه اموال در همان سال مجموعاً ۳۲۵۷ مورد بوده است که شامل دزدی، سرقت موتر و موترسایکل، زورگیری و غیره می شود.

براساس این آمار، قضایای ثبت شده علیه افغان‌ها جمعاً ۲۴۱۱ مورد است. مطالعه تطبیقی ارقام فوق نشان می‌دهد که پناهجویان افغان در تعدادی کمی از این جرایم دخیل بوده‌اند. در واقع، چند نفر از کل جمعیت ۳ میلیونی که در سراسر پاکستان پخش شده‌اند، در تعدادی از این جنایات دست دارند.

به باور سید اختر علی شاه، کارشناس مشهور پاکستانی، در نتیجه این برداشت منفی، احساس بیگانگی و محرومیت در بین مهاجرین حاکم می شود و نفرت را برمی‌انگیزد. جوانان افغان که در پاکستان متولد، پرورش یافته و بزرگ شده‌اند با بحران هویت روبرو هستند. برای آن‌ها گرچه پاکستان کشور مبدأ است که مهم‌ترین لحظات زندگی خود را در آن گذرانده‌اند اما هنوز پذیرفته نشده‌اند.

آقای علی شاه اذعان می‌دارد که دردها و روان مهاجرین افغان در پاکستان را از شعر، رمان، داستان کوتاه و ترانه‌های شان به راحتی می‌توان تشخیص داد: «به من ظلم نکن ای معشوق، در این سرزمین بیگانه فقط تو را می‌شناسم» و «هجرت پر از آزمایش است، سرزمین خود را ترک

<sup>1</sup>.Tribune. (2023b, July 16). Asif incensed at Taliban's reluctance to go after TTP.

نکنید»<sup>۱</sup>. بنابراین، با افزایش ادعاهای حکومت و اردو پاکستان درخصوص پناه‌گاه‌های امن تحریک طالبان پاکستان در افغانستان، نظریه امنیت‌گرا در مورد افغانستان، بالخصوص مهاجرین افغان بیشتر پیش در میان پاکستانی‌ها پخش گردید که منجر به اخراج افغان‌های بدون سند و چالش‌های جدید برای مهاجرین حامل اسناد قانونی شد.

### ۵. روابط اقتصادی - تجاری افغانستان و پاکستان

در اوایل ماه اکتوبر ۲۰۲۳، همزمان با اعلام پالیسی اخراج اجباری مهاجرین افغان، پاکستان محدودیت‌های جدیدی را بر صادرات برخی از اقلام به افغانستان وضع کرد. این اقدام، منجر به بند ماندن صدها کانتینر تجار افغان در بندر کراچی و میلیونها دالر خساره شد. مقامات پاکستانی ادعا کردند که این اقدام را جهت جلوگیری از قاچاق برخی از مواد غیرضروری در افغانستان در دست گرفته‌اند. درحالی‌که، برخی دیگر از مقامات اسبق پاکستان، از جمله تحلیلگران وضع محدودیت‌ها را راه‌حل جلوگیری از قاچاق نه بلکه برداشتن کلی محدودیت جدید و سابق را راه‌حل اصلی می‌دانستند.

بنابراین، حاکمان نظامی پاکستان جهت وادار کردن امارت اسلامی برای پذیرش برخی ادعاهای امنیتی - نظامی‌شان این تصمیم را گرفتند. در نقاط دیگر جهان کشورهای متخاصم، هم چون هند- چین، امریکا- چین، امریکا- وینزیویلا، روسیه- اروپا باوجود اختلافات بر سر موضوعات اقتصادی و گاهاً امنیتی، تجارت دوجانبه آن‌ها سالانه به میلیون‌ها دالر می‌رسد. برعکس، دانستن دستان هند و پاکستان در عقب افزایش حوادث امنیتی در داخل پاکستان و حس ناامنی هستی‌شناختی در درون سازمان‌های قدرت‌مند این کشور، تجارت با افغانستان را ۹۹ درصد تحت سیطره حوادث امنیتی و نگاه‌های نظامی نگه داشته است.

### نتیجه‌گیری

بیش امنیت هستی‌شناختی ارائه شده در این مقاله به منظور تکمیل و نه جایگزین توضیحات مختلف دیگر برای توضیح روابط بین دو کشور است. اگر هدف تجزیه و تحلیل تنها تضمین

<sup>1</sup> Rehman, S. U., Librarian, R. A., & Farani, M. N. U. D. (2020). Securitization of Afghan Refugees in Pakistan after 9-11. ResearchGate.

تمامیت ارضی و امنیت فیزیکی باشد، روابط پاکستان و افغانستان از سال ۱۹۴۷ به بعد قابل درک نخواهد بود. مشاهده روابط دولت از طریق امنیت هستی‌شناختی، دیدگاه‌های متفاوتی را آشکار می‌کند و جنبه‌های به ظاهر غیرقابل توضیح روابط آن‌ها منطقی به نظر می‌رسد. مفهوم امنیت هستی‌شناختی توضیح می‌دهد که چگونه دولت‌ها نگران هستند تا هویت خود را تضمین کنند حتی اگر به سوی جنگ مسلحانه نیز حرکت کنند.

از آنجایی که تحولات سیاسی پاکستان نیز از سوی نظامیان این کشور مهندسی می‌شود، تأثیر آن بر روابط با امارت اسلامی نیز باید از دریچه تحولات امنیتی مورد مطالعه قرار گیرد. در صورت وخیم شدن اوضاع امنیتی، اردو همواره حلقه‌ها را در راس حکومت ملکی قرار می‌دهد که با سیاست‌های نظامی آن‌ها موافقت داشته باشد. با تغییر پالیسی‌ها و منافع اردو، سیاست‌های حکومت ملکی نیز دچار تغییر می‌شوند. وزارت خارجه، داخله، دفاع، اطلاعات و کلاً سیستم ملکی پاکستان فلج بوده و بدون اجازه اردو توان طرح پالیسی‌های مستقل یا اتخاذ تصمیم را ندارند.

### منابع

۱. رسول‌ثانی آبادی، الهام، حفظ امنیت هستی‌شناسانه و سازش، (فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۶۱، ۱۳۸۹)
2. Chernobrov, "Ontological Security and Public (Mis) Recognition of International Crises: Uncertainty, Political Imagining, and the Self."
3. Giddens, Anthony, *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age* (Stanford: Stanford University Press, 1991).
4. Ghubar, Mir. M, *Afghanistan in the course of History*, Kabul, 1967.
5. Mitzen, Jenifer, Ontological security in world politics and implications for the Option, (.Volum 8. No. 1 2004), p 35.
6. Pande, Aparna, *Explaining Pakistan's Foreign Policy, Escaping India* (Oxon: Routledge, 2011);
7. Rehman, S. U., Librarian, R. A., & Farani, M. N. U. D. (2020). Securitization of Afghan Refugees in Pakistan after 9/11, 2020, Research gate.

8. Siddiq, Aysha, Military inc. Inside Pakistan's Military Economy, 2<sup>nd</sup> edition, 2016, Pluto press.
9. Taj, Farhat, Clash of Identities: Ontological (In)Securities of Afghanistan and Pakistan, and the Repercussions, (2022, <https://doi.org/10.13169/polipers.19.2.ra1>)
10. Foreign Policy, <https://foreignpolicy.com>
11. Dawn news, <https://www.dawn.com>
12. Nikkei Asia, <https://asia.nikkei.com>
13. Express Tribune News, <https://tribune.com.pk>  
<https://www.ourmigrationstory.org.uk/about/what-is-migration.html>